

نظام ایرانی کدگذاری مشاهده‌ای از تعاملات دو جانبه زوجین*

Iranian Couples Interaction Coding System

M. S. Sadeghi, Ph.D.

M. A. Mazaheri, Ph.D.

F. Motabi, Ph.D.

دکتر منصوره السادات صادقی ✉

دکترای روان‌شناسی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمدعلی مظاهری

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

دکتر فرشته موتابی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۹/۱/۲۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۴/۱۵

پذیرش مقاله: ۸۹/۹/۱

Abstract

This article introduces the Iranian Couples Interaction Coding System (ICICS), which is an observational method for evaluating the quality of couple's interactions. The coding system was based on the Specific Affect Coding System. Problem-solving, decision making and reviewing conversation about a shared pleasure event in the past interactions of 31 distressed and non-distressed couples were videotaped. Findings showed that the ICICS is a reliable and valid measure of Iranian couples' interactions. Results from this study reveal an association to exist between ICICS and

چکیده:

هدف از این پژوهش معرفی نظام کدگذاری مشاهده‌ای از تعاملات دوجانبه زوجین ایرانی است که به بررسی کیفیت و کمیت تعامل در زوجین می‌پردازد. در این مطالعه نظام کدگذاری مشاهده‌ای بر اساس چندین نظام کدگذاری از جمله نظام کدگذاری مخصوص عاطفه (SPAFF) انجام شده است و نوارهای ویدئویی از ۳۱ زوج سازگار و ناسازگار (۱۶ ناسازگار)، که از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند، در چند مرحله از تعامل زوجین که شامل حل مسئله، تصمیم‌گیری و صحبت در مورد خاطره خوب قبلی می‌باشد، گرفته شد.

*این مقاله با حمایت مالی قطب علمی خانواده دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

تلفن: ۰۲۱۲۹۹۰۲۳۸۷

پست الکترونیکی: m_sadeghi@sbu.ac.ir

✉ Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Tel: +98021-29902387
Email: m_sadeghi@sbu.ac.ir

marital satisfaction; i.e. the higher the positive interaction of couples in the ICICS, the more the marital satisfaction is. Results of the discriminant analysis also show that ICICS can predict marital satisfaction and dissatisfaction with high degree of accuracy using the positive and negative interactions.

The ICICS has 23 codes: 15 negative codes, 1 code for neutral affect, and 7 positive codes for each person to assess the verbal and nonverbal behaviors of both speakers and listeners. 11 codes out of 15 negative codes are similar to other coding systems ("Disgust", "Contempt", "Belligerence", "Domineering", "Criticism", "Anger", "Tension", "Tense Humor", "Defensiveness", "Sadness", and "Stone-wall-ing"). However, several categories were introduced into the ICICS which either have not been reported in previous (Western) studies, or have not been considered of importance to be in a different code or category. For instance, quality of communication about "Family-of-Origin" plays a very important role in distinguishing between distressed and non-distressed Iranian couples. Other codes that were added to this system include "Family Contempt"; such as "Contempt, Criticize, Disagreement and Disputing toward each other families", "Contempt toward her/him self", "Condemning the Relationship", and "Gender Rules". Positive codes include positive codes in other coding systems as well as using "We" to talk about couples as a unit in their relationship. This study highlights the importance of cultural components, especially the importance of family ties, in Iran.

KeyWords: Iranian Couples Interaction Coding System (ICICS), family of origin, culture.

هم چنین زوجین پرسشنامه سازگاری زناشویی (MAT) را نیز تکمیل نمودند. نتایج بررسی داده‌ها با تحلیل نتایج پایایی ملاک، پایایی بین مشاهده-گران، بررسی رابطه نمرات MAT و نمره تعاملات مثبت و منفی در زوجین سازگار و ناسازگار و نیز تحلیل تشخیصی نشان داد که نظام ایرانی کدگذاری مشاهده‌ای تعاملات زوجین ICICS ابزاری معتبر و رواست. نتایج نشان دادند که نظام کدگذاری تعامل زوجین ایرانی شامل ۲۳ کد تعاملی است: ۱۵ کد تعاملی منفی، ۱ کد تعاملی خنثی و ۷ کد تعاملی مثبت. ۱۱ کد از ۱۵ کد تعاملی منفی شبیه سایر نظام‌های کدگذاری در مطالعات متعدد است. این کدها شامل تنفر، اهانت، کج خلقی، سلطه‌گری، انتقاد، عصبانیت، تنش، شوخی عصبی، دفاعی رفتار کردن و غمگینی و دیوار سنگی است. کدهای تعاملی منفی که در این مطالعه معرفی شدند شامل ۴ زمینه اصلی از قبیل «خانواده»، «اهانت به خود»، «تخطئه کردن رابطه» و «قواعد جنسیتی» می‌باشند. البته در این زمینه‌ها ۱۱ زیرکد نیز شناسایی شدند. در تعاملات مثبت رد و بدل شده بین زوجین نیز کاربرد کلمه «ما» جزء زمینه معرفی شده در این مطالعه است که کد مربوط به آن گفتن کلمه ما زوجین در مورد روابطشان می‌باشد. سایر کدها که مشابه کدهای مطالعات دیگر است، شامل علاقه برای رابطه، تصدیق و تأیید کردن، عاطفه، شوخی، شگفت‌زده کردن و خودافشایی است. در تفسیر یافته‌های فوق به نقش بااهمیت خانواده اصلی و تأثیر آن بر زندگی زوجین ایرانی و نیز برجسته کردن تفاوت‌های فرهنگی در گویه‌های ایرانی اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: نظام کدگذاری مشاهده‌ای تعاملات زوجین ایرانی، خانواده اصلی، فرهنگ

مقدمه

پژوهشگرانی که در حیطه زوج‌درمانی و زندگی زناشویی مشغول به فعالیت می‌باشند هدف اصلی فعالیت‌های خود را بر پایه چگونگی اصلاح روابط زوجین تنیده قرار داده‌اند (دراپور، ۲۰۰۶). پیکربندی وسیعی از مطالعات در این حوزه بر روی بررسی پیامدهای سبک‌های ارتباطی افراد تنیده^۱ و ناسازگار بر زمینه‌های دیگر زندگی آن‌ها قرار گرفته است (ببینید آمبرمن و همکاران، ۲۰۰۶). زوج‌های تنیده و ناسازگار از موقعیت اجتماعی-اقتصادی پایین‌تری برخوردار بوده (شاپیرو، ۱۹۹۶)، در فرزندپروری مهارت‌های کمتری از خود نشان داده‌اند (ارل و برمن، ۱۹۹۵)، و به مشکلات خانوادگی بیشتری دچار می‌شوند (فینچام و بیچ، ۱۹۹۹). البته روابط تنیده و ناسازگار بین زوجین، ارتباط معکوسی با سلامت جسمانی آن‌ها نیز دارد و پیش‌بینی‌کننده مواردی از قبیل تولید بیشتر هورمون تنیدگی، بالا رفتن فشار خون، بد کارکردی دستگاه ایمنی و بالا رفتن میزان ابتلا به بیماری‌های قلبی (رابز، کیکولت-گلاسر، ۲۰۰۳)، و نیز منجر به افزایش ابتلای آن‌ها به بیماری‌های مزمن و سرطان می‌شود (اسکمالینگ و شر، ۱۹۹۷). بنابراین با حجم وسیعی از این پیامدها فهم بهتر این‌گونه روابط و درمان نارسایی در کارکرد^۲، بااهمیت به نظر می‌رسد.

برای دستیابی به هدف اصلاح و بهبود روابط تنیده زوجین، پژوهش‌های مشاهده‌ای برای فهم و توصیف این‌گونه روابط جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. به وسیله مشاهده رفتارها نه تنها می‌توان چگونگی بروز یک رفتار را پیگیری کرد (هیمن، ۲۰۰۱)، بلکه این مشاهده قادر به فراهم‌سازی بازنمایی جزئیات این‌گونه روابط است، بنابراین فهم ما را از تعاملات زناشویی موفق یا ناکارآمد امکان‌پذیر می‌نماید (فینچام و بیچ، ۱۹۹۹؛ گاتمن، ۱۹۹۸).

پژوهشگران برای فهم روشن‌تر و بدون سوگیری روابط زوجین، مقیاس‌ها و روش‌های متفاوتی را آزمودند و سرانجام یکی از بهترین روش‌ها برای فهم روابط، مشاهده رفتار زوجین شناخته شد (کریچ و اپستین، ۲۰۰۴؛ گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۰). به اعتقاد گاتمن و نوتاریوس (۲۰۰۰) کدگذاری مشاهده‌ای رفتار تعامل زوج‌ها^۳ در پژوهش‌های مربوط به ازدواج هم در اهداف توصیفی و هم در ساخت الگوها و نظریه‌ها، نقش بااهمیتی ایفا می‌کند. هیمن (۲۰۰۱) نیز معتقد است یکی از کارآمدترین روش‌ها برای بررسی تعارض در خانواده و مقایسه بین الگوهای ارتباطی زوج‌های تنیده و غیرتنیده، مشاهده تعامل زوج‌ها می‌باشد. البته مقایسه تعامل زوج‌هایی که از زندگی خود ناراضی هستند با گروهی که از زندگی خود رضایت دارند، ضمن این‌که می‌تواند دیدگاهی روشن در زمینه تفاوت‌های تعاملی در اختیار گذارد، می‌تواند الگویی برای تعامل این دو گروه نیز به ما عرضه دارد (هیمن، ۲۰۰۱). بر همین اساس گاتمن و همکاران (۱۹۷۶، به نقل از گاتمن، ۱۹۹۳) روش میز گفتگو^۴ را ایجاد کردند که در طی آن زوج‌ها در مورد مشکل مشخصی در ازدواج‌شان بر اساس خواست خودشان صحبت می‌کنند. در این مکالمه نوع پیام‌هایی که رد و بدل می‌شود در ۵ مقیاس

عواطف منفی متقابل، نسبت پایین رفتارهای مثبت به منفی، نسبت بالای انتقاد، تدافعی رفتار نمودن، تحقیر و عیب‌جویی و اسناددهی‌های منفی و ثابت به همسر اندازه‌گیری می‌شد. سیلارز و همکاران (۲۰۰۸) نیز با استفاده از ویدئو، زوجها را هنگام بحث با یکدیگر و در حال بیان افکار و احساساتشان، مشاهده کردند.

نولر^۵ (۱۹۸۰، به نقل از استنلی، ۲۰۰۳) با رمزگذاری مکالمات عاطفی زوجها با توجه به معانی مثبت، منفی و خنثی رد و بدل شده بین آن‌ها گزارش کرد که استفاده صحیح از مکالمات و مهارت داشتن در برقراری ارتباط عاطفی مناسب منجر به کاربرد راهبردهای مقابله‌ای مناسب به هنگام بروز مشکلات خواهد شد. این پژوهشگر در مطالعه خود اشاره کرد که چگونگی فهم زوجین از معانی رد و بدل شده در مکالمات بین آن‌ها (تفاوت‌ها در رمزگذاری و رمزگشایی)، در ایجاد سازگاری و ناسازگاری زوجها بسیار مهم است. ارتباط بین سازگاری زناشویی و رمزگذاری و رمزگشایی صحیح در چندین مطالعه تکرار شد (گاتمن، کاتز و هوون، ۱۹۹۷ و گاتمن و همکاران، ۲۰۰۲).

بنابراین با توجه به نتایج پژوهش‌های گاتمن، کاتز و هوون (۱۹۹۷)؛ گاتمن (۱۹۸۰ و ۱۹۹۸)، و پژوهش‌های متعدد دیگر (از جمله؛ گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۰؛ هیمن، ۲۰۰۱؛ سیلارز و همکاران، ۲۰۰۸)، پژوهشگران معتبرترین روش برای شناسایی الگوهای ارتباط زوجین را روش‌های مشاهده رفتار زوجها و کدگذاری رفتارهای تعاملی کلامی و غیرکلامی زوجها گزارش دادند.

در همین زمینه محققان با استفاده از روش‌های مشاهده‌ای به بررسی الگوهای ارتباطی زوجین در فرهنگ‌های مختلف پرداختند. مقایسه نتایج پژوهش‌ها به صورت همگرا نشان داد که علی‌رغم مکانیزم‌هایی که در تعامل زوجین به طور مشترک رخ می‌دهد، در نظر گرفتن بروز این مکانیزم‌ها با توجه به بافتی است که زوجین در آن زندگی می‌کنند و بنابراین ارتباط کلامی و غیرکلامی زوجین وابسته به فرهنگ و زمینه اجتماعی افراد است (هالفورد و همکاران، ۱۹۹۰؛ اینجرسول - دایتون و همکاران، ۱۹۹۸). الگوهای ارتباطی هرگز به درستی درک نمی‌شوند، مگر این‌که به بافت و زمینه فرهنگی افراد توجه شود (چانی و مارتین، ۲۰۰۸).

به دنبال گزارش نتایج پژوهش‌هایی از این قبیل محققان با ساختن ابزارهای متناسب با فرهنگ در جهت بررسی تفاوت‌های فرهنگی از این‌گونه مشاهدات برای فهم جزئیات بیشتر تعاملات زناشویی در فرهنگ‌های مختلف استفاده‌های متعددی نمودند (هیرستون، ۲۰۰۰).

این مسئله در ایران به چه صورت است؟ توجه به کاربرد وسیع ابزارهای مشاهده‌ای در تولید نظریه و کاربرد درمانی در جوامع دیگر پژوهشگران را بر آن داشت تا به بررسی نقش این ابزار در مطالعات ایرانی بپردازند. اما بررسی‌های پژوهشگران در زمینه مطالعات مربوط به مشاهده و کدگذاری رفتار تعاملی زوجین و بررسی تفاوت‌ها در بین زوجین تنیده و غیرتنیده سرانجامی نداشت و نشان داد نه تنها مشاهده رفتار زوجین جایی در مطالعات ایرانی نداشته است، بلکه اغلب مطالعات

متعدد در این چارچوب نیز با استفاده از مقیاس‌های پرسشنامه‌ای ترجمه شده فرهنگ‌های غربی است. در واقع نظر به این که بررسی رفتار زوجین پدیده‌ای آمیخته با فرهنگ است (استنلی، ۲۰۰۳ و یاسلین و کاراهان، ۲۰۰۷)، کاربرد روش‌های مؤثر مشاهده الگوی تعامل و ارتباط زوجین ایرانی، نیازی اساسی است. بنابراین با توجه به نقش بااهمیت الگوهای ارتباطی در کیفیت روابط زوجین و تفاوت‌های فرهنگی گزارش شده در کاربرد برخی از انواع ارتباط‌های کلامی و غیرکلامی در بین زوجین تنیده و غیرتنیده و نیز فقدان پژوهش‌های آمیخته با فرهنگ ایرانی و عدم کاربرد روش مشاهده‌ای تعامل زوجین به عنوان یکی از مؤثرترین و کارآمدترین روش‌ها برای دستیابی به الگوهای تعامل زوجین، پژوهش حاضر در نظر دارد با ساخت ابزار مشاهده‌ای برای بررسی رفتار تعاملی زوجین، ضمن دستیابی به سیستم کدگذاری رفتار تعاملی زوجین ایرانی، با توجه به جنبه‌های فرهنگی، نقش مؤثری را در راهگشایی برای تدوین برنامه‌های اصلاح و بهبود تعامل زوجین ایرانی ایفا نماید.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زوجین سنین ۵۰-۱۸ سال تهران هستند. ۳۱ زوج گروه نمونه از بین این زوجین و بدین طریق انتخاب شدند: اطلاعات عمومی در سطح شهر برای دعوت از زوجین مشکل‌دار و بدون مشکلی که متمایل به شرکت در این پژوهش بودند، پخش شد. همچنین نامه‌هایی برای چندین مرکز خدمات مشاوره و روان‌شناسی فرستاده شد تا زوجینی که برای درمان به این مراکز مراجعه نموده‌اند و تا به حال جلسات درمانی نداشته‌اند برای شرکت در این پژوهش معرفی نمایند. زوج‌های ناسازگار (۱۶ زوج) پس از تماس تلفنی و بررسی ملاک‌های شمول از قبیل عدم ابتلا به اختلالات سایکوتیک (با پرسش در این مورد که آیا سابقه مراجعه به روان‌پزشک یا روانشناس داشته‌اند و یا این که آیا تا به حال روان‌پزشک برایشان داروی خاصی تجویز نموده است)، عدم ابتلا به سوءمصرف مواد (به جز سیگار)، عدم وجود خیانت (ناسازگاری زناشویی به خاطر وجود خیانت نباشد) و عدم شرکت در جلسات روان‌درمانی دیگر، برای شرکت در پژوهش تعیین وقت شدند. زوج‌های سازگار (۱۵ زوج) داوطلب، از طریق تلفن با ملاک‌هایی نظیر سن زوجین، سن ازدواج، و تعداد فرزندان با زوجین ناسازگار جور شده و برای شرکت در پژوهش دعوت شدند. این زوجین پس از مراجعه به آزمایشگاه پژوهشکده خانواده پرسشنامه سازگاری زناشویی MAT^۶ (لاک و والاس، ۱۹۵۹) را تکمیل نمودند. میانگین نمره زوجین ناسازگار در این پرسشنامه ۶۰/۲۵ و میانگین نمره MAT زوج‌های سازگار ۱۱۵/۷۶ بدست آمد.

جدول ۱: خصوصیات توصیفی گروه نمونه

انحراف استاندارد	میانگین	خصوصیات زوج‌ها
۷/۳۱	۸/۰۹	سال‌های ازدواج
۱/۲۴	۱/۰۴	تعداد فرزندان
خصوصیات زنان		
۶/۱۴	۲۹/۸۷	میانگین سن
۲/۸۶	۱۴/۲۹	سال‌های تحصیلی
خصوصیات شوهران		
۷/۴۴	۳۴/۵۴	میانگین سن
۳/۱۲	۱۴/۹۸	سال‌های تحصیلی

جدول ۲: خصوصیات توصیفی گروه نمونه به تفکیک دو گروه سازگار و ناسازگار

سازگار M (SD)	ناسازگار M (SD)	گروه متغیر
(۷/۲۸) ۸/۰۱	(۷/۴۳) ۸/۱۶	سال‌های ازدواج
(۶/۹۸) ۳۲/۰۷	(۷/۶۲) ۳۲/۲۲	میانگین سن
(۳/۵۸) ۱۴/۵۳	(۲/۶۵) ۱۳/۸۹	سال‌های تحصیلی
(۱۷/۶۳) ۱۱۲/۷۶	(۲۴/۴۳) ۵۸/۰۶	زنان MATنمره
(۱۶/۲۲) ۱۱۹/۶۰	(۲۶/۸۸) ۶۲/۵۶	شوهران MATنمره
(۱۵/۱۵) ۱۱۵/۷۶	(۲۱/۶۲) ۶۰/۲۵	زوجین MATنمره

ابزار پژوهش

آزمون سازگاری زناشویی MAT (لاک و والاس ۱۹۵۹): این مقیاس یک پرسشنامه خود گزارش‌دهی کوتاه است که به منظور اندازه‌گیری کیفیت کنش‌وری ازدواج طراحی شده است و معمول‌ترین ابزار اندازه‌گیری به کار برده شده در این زمینه می‌باشد که با ۱۵ ماده نشان می‌دهد تا چه حد پاسخ‌دهنده با همسر خود در خصوص تعدادی از فعالیت‌هایی که در سازگاری زناشویی نقش بنیادین دارند، موافق است (اسکامکر و لئونارد، ۲۰۰۵). مقیاس بایستی به وسیله هر یک از زوجین به‌طور جداگانه تکمیل شود و بدین ترتیب امکان اندازه‌گیری کلی سازگاری زناشویی بر پایه ادراک بین فردی از روابط زناشویی را فراهم می‌آورد. گستره نمرات این آزمون می‌تواند از ۲ تا ۱۵۸ باشد که نمرات پایین نارضایتی و نمرات بالا رضایت را نشان می‌دهند و میانگین نمرات برای مردان ۱۱۰ و برای زنان ۱۰۸ است. نمرات ۱۰۰ و بالاتر به طور کلی رضایت از ازدواج را نشان می‌دهد و نمرات

پایین‌تر از ۱۰۰ نشان‌دهنده تنیدگی در روابط زناشویی است (اسکامکر و لئونارد، ۲۰۰۵). میانگین نمره سازگاری برای یک گروه به خوبی سازگار شده ۱۳۵/۹ و میانگین نمرات برای یک گروه ناسازگار ۷۱/۷ است. MAT با کاربرد روش دو نیمه‌کردن پایایی ۰/۹۰ را نشان داده است. کاربرد وسیع این آزمون در مطالعات بین فرهنگی و فرهنگی مختلف و کسب نتایج معتبر، نشان داده است که آزمون MAT، آزمونی است که در فرهنگ‌های مختلف کاربرد دارد. این آزمون توسط مظاهری (۱۹۹۷) با روش ترجمه مجدد بر روی زوجین ایرانی اجرا شده و تاکنون در پژوهش‌های متعددی (به عنوان نمونه مظاهری و همکاران، ۱۳۸۲؛ رضانی، ۱۳۸۸، صادقی و همکاران، زیرچاپ) بر روی نمونه‌های ایرانی اجرا شده است. اعتبار این آزمون در پژوهش‌های ذکر شده از طریق محاسبه آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۸۱ تا ۰/۸۳ در تغییر بوده است. اعتبار مقیاس سازگاری زناشویی در پژوهش حاضر ۰/۸۹ بدست آمده است.

هم‌چنین این آزمون با روش رگرسیون لجستیک با ایجاد تمایز واضح و آشکار بین همسرانی که به خوبی سازش یافته‌اند و از زندگی خود راضی هستند و زوجینی که در ازدواج خود دچار تنیدگی بوده و متقاضی طلاق هستند روایی بسیار بالایی را نشان داده است (صادقی و همکاران، زیرچاپ). نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مدل کامل با $p < 0.001$ و $\chi^2(1) = 68.58$ به طور معناداری پایا بوده و این مدل بین ۵۳/۳٪ تا ۷۴/۱٪ از واریانس را در زوجین متقاضی طلاق تبیین می‌کند و در کل ۶۶/۶٪ از پیش‌بینی‌ها برای قرار گرفتن زوجین در گروه طلاق با توجه به نمره MAT آن‌ها درست می‌باشند (ببینید صادقی و همکاران، زیرچاپ).

نظام کدگذاری تعامل زوجین ایرانی (ICICS)^۷: نظام مشاهده‌ای کدگذاری زوجین طی مراحل به این شرح تهیه شد: در ابتدا چک‌لیست اولیه‌ای با استفاده از سوابق نظری و بر پایه میز گفتگوی گاتمن (۱۹۹۳) و با مرور، پژوهش‌های تجربی و روش‌های کدگذاری مشاهده‌ای مشابه ساخته شده معتبر از جمله نظام سریع نمره‌گذاری تعامل زوجین^۸ RCISS، نظام کدگذاری مخصوص عاطفه^۹ SPAFF، آزمون مهارت‌های ارتباطی: نظام مشاهده‌ای برای مهارت‌های حل مسئله زوجین^{۱۰} CST، کدگذاری مشاهده‌ای تعاملات توقع-کناره‌گیری در زوجین^{۱۱} (همه به نقل از کریچ و باکوم، ۲۰۰۴)، نظام کدگذاری عاطفی رو در رو^{۱۲} EMFACS (گاتمن، کاتز و هوون، ۱۹۹۷)، نظام کدگذاری سریع تعامل زوجین^{۱۳} RMICS (هیمن و ویویان، ۲۰۰۰) تهیه شد.

سپس با در نظر گرفتن نتایج پژوهش‌ها در زمینه تفاوت‌های فرهنگی در این حوزه (کریستنسن و همکاران، ۲۰۰۶؛ تری‌یاندیس، ۱۳۷۸، هالفورد و همکاران، ۱۹۹۰؛ تومیتا، ۱۹۹۴؛ و...)، به مشاهده مستقیم تعاملات ۳ زوج در جستجوی درمان در کلینیک تخصصی خانواده و کودک دانشگاه شهید بهشتی پرداخته شد و کلیه مواردی که از سوی این زوجین در تعاملات کلامی و غیرکلامی استفاده

می‌شد یادداشت‌برداری شد. پس از این مرحله گروه متمرکزی از ۵ متخصص زوج‌درمانی تشکیل شد و سؤال‌هایی از این متخصصان در حوزه ارتباط کلامی و غیرکلامی زوجین ایرانی پرسیده شد و تمام پاسخ‌ها به صورت کتبی و نوار ثبت شد. سپس مصاحبه عمقی با ۵ زوج در جستجوی درمان انجام شد و پاسخ‌های زوجین نیز به صورت کتبی و نوار ضبط گردید. مدت زمان گروه متمرکز متشکل از متخصصین زوج‌درمانی به طور متوسط ۳ ساعت و مدت زمان مصاحبه‌های عمقی با زوجین به طور متوسط ۵۵ تا ۶۵ دقیقه طول کشید. پس از پایان جلسه‌ها همه داده‌های ضبط شده پیاده و با دست نوشته‌ها تطبیق داده شدند. سپس با استفاده از روش تحلیل کیفی (مدل تحلیل تفسیری^{۱۴}، گال، بورگ و گال، ۱۳۸۳)، به تدوین مقوله‌ها بر اساس راهبرد تسهیلاتی (به‌کارگیری فهرست کدهای تعاملی در پژوهش‌های دیگر) و اصول نظریه زمینه‌ای (به‌کارگیری کدهای تعاملی به طور مستقیم از داده‌های پیشنهادی توسط متخصصان زوج‌درمانی و یا تعاملات و رفتارهای کلامی و غیرکلامی مشاهده شده و ثبت شده در مشاهده و مصاحبه با زوجین) پرداخته شد و چک‌لیست اولیه‌ای برای مشاهده تعاملات زوجین ایرانی فراهم گردید. البته این چک‌لیست اولیه توسط عده‌ای متخصص روان‌شناسی خانواده بررسی و پیشنهادات و اصلاحات نهایی با روش مقایسه مداوم لحاظ شد.

پس از تهیه چک‌لیست اولیه، تمام فیلم‌ها توسط کددهنده اصلی (مؤلف نخست مقاله حاضر) بر اساس این چک‌لیست، کدگذاری شد. کددهنده اصلی با مطالعه راهنمای انگلیسی چندین نظام کدگذاری و مشاهده کامل فیلم آموزشی نظام کدگذاری مخصوص عاطفه SPAFF و کدگذاری چندین فیلم با این سیستم حدود ۵۰ ساعت کدگذاری را آموزش دیده بود. کدگذاری فیلم‌ها بدین طریق انجام شد:

ابتدا تمامی فیلم‌ها بر روی کاغذ پیاده شدند و تمام جملات کلامی زوجین یادداشت‌برداری شد. برای نیل به این هدف تمام فیلم‌ها چندین بار به قطعات کوچک‌تر تقسیم و بارها مشاهده شد. سپس تمام جملات زوجین هر قدر کوتاه یا بلند که با زمینه تعیین شده قبلی هماهنگ بود در قالب‌بندی کد آن تعامل تعلق می‌گرفت (مدل تحلیل ساختاری^{۱۵}، گال، بورگ و گال، ۱۳۸۳). سپس در بررسی‌های بعدی به قسمت‌هایی از متن جملات برخورد شد که در آن اطلاعات جامعی وجود داشت که در مقوله‌ها و کدهای چک‌لیست اولیه وجود نداشت. برای تدوین این بخش از مقوله‌ها با استفاده از روش تحلیل کیفی به تدوین طبقه یا مقولاتی پرداخته شد که این اطلاعات را به صورت مناسب در خود جای دهد. پژوهشگران با توجه به تعاملات ثبت شده زوجین به دقت داده‌ها را مورد بررسی قرار داده و داده‌هایی که شباهت‌های کافی با یکدیگر داشتند در یک طبقه جای گرفتند. سپس مقوله تعیین شده تعریف و به آن عنوان داده شد. سپس کد مناسب برای آن در نظر گرفته شد. در پایان مقولات با روش مقایسه مداوم توسط متخصصان خانواده و زوج مورد اصلاح نهایی قرار گرفت و چک‌لیست نهایی تهیه شد (مدل تحلیل تفسیری، گال، بورگ و گال، ۱۳۸۳).

برای کدگذاری و طبقه‌بندی تعاملات غیرکلامی نیز چک‌لیست نهایی تهیه شده با فیلم‌ها مطابقت داده شد و کدگذاری رفتارها انجام شد. برای بررسی اعتبار یافته‌های پژوهش فیلم‌ها مجدداً توسط کددهنده اصلی کدگذاری شد و سپس به طور تصادفی از بین فیلم‌ها ۱۲ فیلم انتخاب و به ۴ مشاهده‌گر برای کدگذاری داده شد. این مشاهده‌گران از بین دانشجویان کارشناسی ارشد و فارغ‌التحصیلان کارشناسی روان‌شناسی بودند که به صورت دوتایی آموزش‌های لازم را در زمینه کدگذاری فیلم‌ها گذرانده بودند. این آموزش‌ها شامل خواندن راهنمای اصلی و ترجمه شده توسط متخصصان، خواندن چک لیست، مرور فیلم‌های آموزشی کدگذاری، کدگذاری یک نوار به عنوان نمونه با آموزش‌دهنده، بحث در مورد کدگذاری‌های اشتباه، و... می‌باشد. پایایی بین ارزیابان از طریق همبستگی بین موارد کدگذاری شده بین آن‌ها بررسی و پایایی مربوط به ملاک پرسشنامه نیز توسط همبستگی بین کدگذاری ارزیابان با کددهنده اصلی محاسبه گردید.

به طوری که هر دو مشاهده‌گر ۶ فیلم را کدگذاری مجدد نمودند. همبستگی بین مشاهده‌گران با استفاده از آزمون I نشان داد که نمرات همبستگی بین هر کدام از کدهای تعاملی بین مشاهده‌گران دامنه‌ای از ۰/۵۶ تا ۰/۹۵ دارد که در تمام موارد مقدار $p < ۰/۰۵$ است. همبستگی برای کل تعاملات منفی $r = ۰/۸۲$ و $p < ۰/۰۱$ و نتایج همبستگی برای تمام تعاملات مثبت $r = ۰/۷۶$ و $p < ۰/۰۵$ بدست آمد.

درصد توافق بین کدگذاری‌های کددهنده اصلی با هر کدام از کددهنده‌ها از طریق آزمون کاپا محاسبه شد مقدار کاپای محاسبه شده بدین ترتیب بدست آمد: $(p < ۰/۰۵)$ و $۰/۷۵$ تا $۰/۶۱$ κ قابل ذکر است که ضریب همسانی ابزار از طریق آلفای کرونباخ محاسبه و مقدار آن در این آزمون ۰/۷۲ محاسبه شده است.

برای محاسبه روایی سیستم کدگذاری تعاملات زوجین ایرانی به دو طریق عمل شد: همبستگی و تحلیل تشخیصی^{۱۶}.

ابتدا همبستگی نمرات این آزمون با آزمون MAT، به‌عنوان آزمونی با مؤلفه‌های روان‌سنجی معتبر در مطالعات ایرانی و دیگر جوامع، برای تشخیص زوجین سازگار و ناسازگار، محاسبه شد (جدول ۴).

همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد زوجین بر اساس نمرات کسب شده در آزمون MAT و بیان خود بر این اساس که احساس رضایت و یا نارضایتی از زندگی مشترک خود دارند در دو گروه سازگار (۱۵ نفر) و ناسازگار (۱۶ نفر) قرار گرفتند. مقدار $\chi^2(۱) = ۳۱$ و $p < ۰/۰۰۵$ محاسبه شده (که براساس نمرات زنان و شوهران آن‌ها به دو گروه نشان داد که تفاوت نمرات MAT زوجین (که براساس نمرات زنان و شوهران آن‌ها به دو گروه زوج‌هایی با نمرات پایین‌تر از ۱۰۰ و بالای ۱۰۰ طبقه‌بندی شده بودند) در دو گروه زوجینی که

اظهار رضایت از زندگی خود دارند با زوجینی که از زندگی خود اظهار نارضایتی می‌نمایند کاملاً معنادار است.

شیوه اجرا

هر یک از زوجین برای یک مطالعه حدود دو ساعت به آزمایشگاه پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی دعوت شدند. در طی جلسه توجیهی کوتاهی، آزمایشگر توضیح مختصری در مورد پژوهش و مراحل انجام کار و هر یک از تکالیف برای زوجین می‌دهد. پس از پر کردن فرم رضایت توسط زوجین، مابقی مراحل به شرح ذیل می‌باشد:

هر یک از زوجین پرسشنامه MAT را تکمیل می‌نمایند. قابل ذکر است که فرم مشخصات دموگرافیکی که اطلاعاتی در مورد مشخصات فردی شرکت‌کنندگان؛ هم‌چون سن، سن ازدواج، میزان تحصیلات، شغل، تعداد فرزندان و... نیز از این فرم کسب شده است؛ هر یک از زوجین فرمی را برای پر کردن لیست مشکلات زندگی زناشویی دریافت نمودند و از آن‌ها خواسته شد ۱۰ مورد از مشکلات زندگی مشترک خود را به ترتیب اولویت بنویسند (برای انجام تکلیف اول). آن‌گاه هر یک از زوجین فرمی را برای پر کردن خاطرات خوب دریافت نموده و از آن‌ها خواسته شد عنوان چند خاطره خوب در زندگی مشترک را یادداشت نمایند (برای انجام تکلیف سوم).

پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و فرم‌ها توسط زوج‌ها، زوجین در معرض سه تکلیف قرار گرفتند: در تکلیف اول که شامل دو مرحله بود ابتدا زوجین فرصت داشتند راجع به مشکل مطرح شده مشترک و راه‌حل‌های پیشنهادی با یکدیگر حدود ۱۰ دقیقه صحبت کنند (اگر مشکل مشترکی در لیست ارائه نشده بود با کمک پژوهشگر یک مشکل مشترک از سوی زوجین مطرح می‌شد). در قسمت دوم زوجین فرصت داشتند حدود ۵ الی ۶ دقیقه یک مورد از مشکلات قبلی را که منجر به اختلاف نظر بین آن‌ها شده بود مطرح و چگونگی برخورد با آن مشکل را به نمایش گذارند (چگونگی حل مسئله در زمان تعارض: کل زمان تکلیف اول حدود ۱۵ دقیقه).

- در تکلیف دوم کارتهایی به زوجین داده شد و زوجین می‌بایست در مورد یک میهمانی که خودشان قرار بود برگزار کنند، در زمانی حدود ۱۰ دقیقه تصمیماتی را اتخاذ نمایند (قدرت تصمیم‌گیری و تقسیم وظایف و نقش‌ها). موضوع این کارتها برای تمام زوجین مشابه، و شامل صحبت و تصمیم‌گیری در مواردی از قبیل: زمان و مکان این میهمانی، افرادی که به این میهمانی دعوت خواهند شد، وظایفی که هر یک از زوجین برعهده خواهند داشت و کارهایی که ممکن است به طور مشترک انجام دهند، بود.

- در تکلیف سوم که همراه با پذیرایی زوجین از خودشان بود، زوجین حدود ۱۰ دقیقه فرصت داشتند تا راجع به یک خاطره خوب در زندگی مشترکشان با یکدیگر صحبت کنند (مرور خاطره

خوب). در این تکلیف ضمن مشاهده رفتارهای کلامی و غیرکلامی زوجین در حین مرور خاطرات خوب به این نکته توجه شد که کدام زوج شروع‌کننده پذیرایی از دیگری است و این پذیرایی چگونه انجام می‌شود.

زوجین برای شروع و اتمام هر بخش از تکالیف صدای زنگی را می‌شنیدند و پس از انجام هر تکلیف بر روی برگه‌ای مدرج (مقیاس ۰ تا ۱۰۰) احساسات خود را در سه حیطه غمگینی، خشم و اضطراب یادداشت می‌کردند. در ضمن زوجین حدود ۲ دقیقه قبل از شروع هر تکلیفی سکوت می‌کردند تا مرحله بعدی شروع شود. قابل ذکر است زوجین بر روی صندلی‌های راحتی رو به روی هم نشاندند و کلیه رفتارهای کلامی و غیرکلامی زوجین توسط یک میکروفن حساس و دو دوربین فیلمبرداری ضبط می‌شد. این دوربین‌ها با قدرت تمرکز بالا، خارج از اتاق توسط آزمایشگر قادر به تنظیم فاصله بود و وقتی زوجین برای انجام تکالیف آماده بودند آزمایشگر اتاق را ترک و به اتاق مجاور می‌رفت تا ضمن واقعی‌تر کردن فضای زوجین، تعاملات آن‌ها را مشاهده و بر روی نوار ویدئویی و دستگاه کامپیوتر ضبط نماید.

یافته‌ها

در تحلیل کیفی نتایج این مطالعه با مشاهده ۳۱ زوج این طور نتیجه‌گیری شد که در تعاملات مثبت و منفی زوجین ایرانی مقوله‌ها و زمینه‌های خاصی وجود دارد. قبل از توضیح این مقوله‌ها نکته قابل ذکر این است که نظام کدگذاری تعامل زوجین ایرانی شامل ۲۳ کد تعاملی است: ۱۵ کد تعاملی منفی، ۱ کد تعاملی خنثی و ۷ کد تعاملی مثبت. ۱۱ کد از ۱۵ کد تعاملی منفی شبیه سایر نظام‌های کدگذاری در مطالعات متعدد است. این کدها شامل تنفر، اهانت، کج خلقی، سلطه‌گری، انتقاد، عصبانیت، تنش، شوخی عصبی، دفاعی رفتار کردن و غمگینی، و دیوار سنگی است. کدهای تعاملی منفی که در این مطالعه معرفی شدند شامل ۴ زمینه اصلی از قبیل «خانواده»، «اهانت به خود»، «تخطئه کردن رابطه» و «قواعد جنسیتی» می‌باشند. زیرکدهای شناسایی شده در زمینه‌های معرفی شده در جدول ۳ ارائه شده است.

در تعاملات مثبت رد و بدل شده بین زوجین نیز کاربرد کلمه «ما» جزء زمینه معرفی شده در این مطالعه است که کد مربوط به آن گفتن کلمه ما زوجین در مورد روابطشان می‌باشد. سایر کدها که مشابه کدهای مطالعات دیگر است، شامل علاقه برای رابطه، تصدیق و تأیید کردن، عاطفه، شوخی، شگفت‌زده کردن و خودافشایی است.

جدول ۳: کدهای تعاملی منفی معرفی شده در پژوهش حاضر

توهین به خانواده همسر انتقاد کردن از خانواده همسر	توهین انتقاد	خانواده
منت گذاشتن در مورد خانواده‌ها گفتن کلمه ما در مورد خودش و خانواده خود	اختلاف نظر و مشاجره کردن	
طعنه یا سرزنش نسبت به خود ریشخند، مسخره خود توهین یا فحش دادن به خود شوخی خصمانه در مورد خود	اهانت به خود	
زیر سوال بردن رابطه، نشان دادن عدم تفاهم ها	تخطئه کردن رابطه	
باید- نباید: زخم باید یا زنی باید پیشداوری: زن‌ها یا مردها	قواعد جنسیتی	

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، هر قدر که میزان تعامل مثبت زنان و شوهران بیشتر است، سازگاری آن‌ها نیز بالاتر است و تعامل منفی بین آن‌ها با میزان سازگاری رابطه معکوس دارد.

جدول ۴: همبستگی بین نمرات تعاملات مثبت و منفی زنان و شوهران و نمرات MAT آن‌ها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. تعامل منفی زن		۰/۸۶	-۰/۶۷	-۰/۶۹	-۰/۶۰	-۰/۶۸
۲. تعامل منفی شوهر			-۰/۶۸	-۰/۷۰	-۰/۵۳	-۰/۵۵
۳. تعامل مثبت زن				۰/۹۴	۰/۷۲	۰/۷۵
۴. تعامل مثبت شوهر					۰/۶۹	۰/۷۴
۵. نمره بالا MAT زن						۰/۸۰
۶. نمره بالا MAT شوهر						

تمام همبستگی‌ها در سطح $p < 0.001$ معنادار است.

در مرحله دوم با توجه به این که عضویت در گروه ناسازگار و سازگار بر اساس اظهار خود زوجین از قبل مشخص بود برای ایجاد یک تابع تشخیص که به‌طور پایایی بتواند عضویت در گروه را پیش‌بینی کند از تحلیل تشخیصی استفاده شد (بریس، کمپ، و سنلگار، ۱۳۸۴). از آن جایی که مطابق با نتایج جدول ۴ بین نمرات تعامل مثبت منفی و مثبت زنان با شوهران آن‌ها همبستگی بالایی وجود دارد، بنابراین برای افزایش دقت تابع تحلیل تعاملات مثبت و منفی زنان وارد معادله تحلیل شدند. نتایج تابع محاسبه شده در ارزش ویژه قدرت تمیز قائل شدن تابع تشخیص بین طبقات و نتایج آزمودن فرض صفر نشان داد که مقدار ارزش ویژه تحلیل تشخیصی برای تفکیک گروه زوج‌های ناسازگار بر اساس تعامل مثبت و منفی زوج‌ها برابر ۰/۶۹ است بدین معنا که این تابع با مقدار ۰/۶۹ بین این دو گروه تشخیص داده است. نتایج آزمون فرض صفر نیز با آزمون ویلکز لامبدا^{۱۷} به مقدار

۰/۵۴ و $p < ۰/۰۰۱$ و $\chi^2(۴) = ۱۷/۴۴$ نشان داد، از آنجا که مقدار p کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان فرض صفر را رد نمود بنابراین مقدار تابع تمیز برای زوجین سازگار و ناسازگار برابر نیست. در جدول ۵ میانگین و انحراف استاندارد نمرات تعاملات مثبت و منفی در زوجها (به علت همبستگی بالای نمره زنان و شوهران آنها ترجیح داده شد نمره یکی از زوجها در معادله وارد شود) نشان داده شده که البته با توجه به عضویت آنها در گروه زوجین سازگار و یا ناسازگار تقسیم شده است. همچنین در این جدول ماتریس ساختار یعنی مقیاس متفاوتی از میزان کمک هر کدام از متغیرهای تعاملات مثبت و منفی زوجین (زنان) را به تابع تشخیص نشان می‌دهد.

جدول ۵: میانگین و انحراف استاندارد نمرات تعاملات مثبت و منفی زوجین با توجه به عضویت آنها در گروه زوجین سازگار و ناسازگار و ماتریس ساختار تابع تشخیص

متغیر	گروه	ناسازگار M (SD)	سازگار M (SD)	نمره کلی M (SD)	تابع
تعاملات منفی زنان	۴۹/۰۶ (۲۲/۹۴)	۱۶/۰۰ (۲۱/۸۱)	۳۳/۰۶ (۲۸/۱۲)	-۰/۸۷	
تعاملات مثبت زنان	۱۲/۸۱ (۱۴/۴۰)	۵۵/۶۰ (۳۴/۶۹)	۳۳/۵۱ (۳۳/۷۳)	۰/۹۲	

همان‌طور که داده‌های توصیفی جدول ۵ نشان می‌دهد زوجین گروه سازگار از تعاملات مثبت بیشتر استفاده می‌کنند. به عنوان نمونه در حالی که میانگین کلی تعاملات منفی زنان ۳۳/۰۶ است، میانگین تعاملات منفی زنان در زوجین متعلق به گروه ناسازگار ۴۹/۰۶ و میانگین تعاملات منفی زنان در زوجین متعلق به گروه سازگار ۱۶ می‌باشد.

در جدول ۶ در قسمت گزارش ماتریس ساختار تابع مشاهده می‌شود که هر چه میزان تعاملات مثبت بین زوجین (به علت همبستگی بالای نمره زنان و شوهران آنها ترجیح داده شد نمره یکی از زوجها در معادله وارد شود) بیشتر باشد احتمال این که آنها در گروه ناسازگار قرار بگیرند را، کمتر می‌کند. در جدول ۵ نیز خلاصه مفیدی از موفقیت تابع تمیز را گزارش می‌دهد. در این جدول کلیتی از نحوه عضویت گروه‌ها (سازگار یا ناسازگار) با استفاده از میزان تعاملات مثبت و منفی در زوجین ارائه شده است.

جدول ۶: خلاصه نتایج طبقه‌بندی تابع تشخیص

کل	اعضای بیش‌بینی شده گروه		گروه	گروه اصلی
	سازگار	ناسازگار		
۱۶ (۱۰۰٪)	۱ (۶/۳٪)	۱۵ (۹۳/۸٪)	ناسازگار (۰/)	
۱۵ (۱۰۰٪)	۱۱ (۷۳/۳٪)	۴ (۲۶/۷٪)	سازگار (۰/)	

۸۳/۹٪ از گروه اصلی به درستی طبقه‌بندی شده‌اند.

نتایج جدول ۶ حاکی از آن است که در ۱۵ مورد تابع تمیز به درستی پیش‌بینی کرده است که تعاملات منفی زوجین، آن‌ها را در گروه زوجین ناسازگار قرار داده است، و در ۱۱ مورد نیز به درستی پیش‌بینی کرده که تعاملات مثبت زوجین آن‌ها را در گروه زوجین سازگار قرار داده است. بنابراین ۲۶ زوج از ۳۱ زوج به درستی در گروه‌های زوجین سازگار و یا ناسازگار دسته‌بندی شده‌اند با نرخ موفقیت ۸۳/۹٪ (همان‌طور که در پانویس جدول نیز نوشته شده است). البته درصد پیش‌بینی درست تابع برای زوجین متعلق به گروه سازگار ۷۳/۳٪ و برای زوجین متعلق به گروه ناسازگار ۹۳/۸٪ می‌باشد.

بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سیستم کدگذاری زوجین ایرانی ابزاری معتبر و پایا برای اندازه‌گیری تعاملات مثبت و منفی زوجین است. نتایج همبستگی بین نمرات سازگاری زوجین و میزان تعاملات مثبت و منفی بین آن‌ها (جدول ۴) و نتایج تحلیل تشخیصی (جدول‌های ۵ و ۶) به خوبی تأییدکننده این یافته‌ها می‌باشند. نتایج گزارش شده در این پژوهش همسو با نتایج مطالعات متعدد دیگر در این حوزه (کریستنسن همکاران، ۲۰۰۶؛ احمدی و همکاران، ۱۳۸۵؛ کریچ و باکوم، ۲۰۰۴؛ هالفورد و همکاران، ۲۰۰۲؛ گاتمن و همکاران، ۲۰۰۲)، حاکی از آن است که میزان استفاده از تعاملات مثبت و منفی زوجین در روابط خود با یکدیگر با میزان رضایت زناشویی آن‌ها رابطه مستقیمی دارد. به عبارت دیگر هر چه میزان تعامل مثبت بین زوجین بیشتر باشد، نمره سازگاری آن‌ها نیز بالاتر می‌باشد. از سوی دیگر میزان استفاده از تعاملات مثبت یا منفی معیار تشخیصی مناسبی برای تمایز بین سازگار و ناسازگار می‌باشد.

با این‌که در مطالعات متعددی از جمله لوینسون و ورنر (۱۹۹۷) تأکید شده است که مقوله ازدواج مقوله‌ای وابسته به فرهنگ است، اما پژوهشگران ایرانی برای بررسی میزان رضایت زناشویی زوجین یا میزان سازگاری بین آن‌ها اغلب از ابزارهای ترجمه شده غربی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر در حالی‌که کدگذاری تعاملات زوجین نقش برجسته‌ای را در شناسایی فرایند ارتباط کلامی و غیرکلامی زوجین ایفا می‌کند و به مشاهده‌گر اجازه می‌دهد تا شاهد مستقیم رفتارهای زوجین با یکدیگر باشد، اما هیچ مطالعه‌ای با استفاده از این ابزار در ایران یافت نمی‌شود. بنابراین در این مطالعه، سیستم کدگذاری زوجین ایرانی به عنوان ابزاری مشاهده‌ای برای بررسی تعاملات زوجین ایرانی با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی معرفی می‌شود.

براسکید (۱۹۹۵) بر این باور است که هنجارها، استانداردها، نقش‌ها و آداب و رسوم در روابط و تعاملات از طریق فرهنگ منتقل می‌شود و البته نقش تفاوت‌های فرهنگی بسیار فراتر از تأثیر بر رفتار و تعاملات کلامی است به‌طوری‌که می‌توان این نقش را در جنبه‌های مختلف روابط، به‌خصوص

روابط غیرکلامی و عاطفی نزدیک نیز مشاهده نمود (لالوندی و همکاران، ۲۰۰۴؛ هالفورد و همکاران، ۱۹۹۰؛ اینجرسول - دایتون و همکاران، ۱۹۹۸).

کدهای اضافه شده در این سیستم نشان‌دهنده این مطلب است که سیستم کدگذاری غربی-اروپایی نمی‌تواند سیستم حساس و پاسخگویی برای حیطه تعاملات زوجین ایرانی باشد. البته نتایج مشابهی در مورد ناکارآمدی ابزار مشاهده مستقیم جوامع غربی در بررسی ارتباط زوجین در جوامع شرقی مشاهده می‌شود (ببینید هیرستون، ۲۰۰۰). از سوی دیگر زوجین ایرانی حیطه‌های متفاوتی از تعاملات را با خود به همراه دارند که در مطالعات مشابه در جوامع غربی مشاهده نشده است. به عنوان نمونه زوجین ناسازگار ایرانی در تعاملات خود توهین به یکدیگر را (که در مطالعات غربی به آن اشاره شده است) به توهین به خود و توهین به خانواده یکدیگر نیز گسترش می‌دهند.

توهین و تحقیر به خود از جمله کدهای شناسایی شده در این مطالعه است که میزان کاربرد آن در تعاملات زوجین ناسازگار ایرانی در مقایسه با همتایان سازگارشان، فراوانی بسیار بیشتری را نشان داده است. برای این نکته پژوهشگرانی که در حیطه زبان و خصوصیات ایرانیان مطالعات متعددی داشته‌اند دو نوع تبیین ارائه داده‌اند: به اعتقاد قاضی مرادی (۱۳۸۷) تحقیر خود که از خصوصیات خودمداری انسان است به خاطر محافظت از خود در برابر قدرتی مستبد به کار می‌رود. وی توضیح می‌دهد که خودمداری با بی‌اعتنایی به دیگران توأم است و اسارت در منافع و مصالح خودمدارانه به معنای کوچک کردن خویش و خود را از طریق خودمداری به حقارت کشانیدن است. خود مدار از جمله با ناچیز و کوچک شدن و یا تبدیل شدن به انسان نادیده گرفتنی، یعنی با حقارت خویش می‌کوشد تا از خود در برابر قدرت بلامنازع استبداد حفاظت کند. در این راه او می‌کوشد تا حساسیت‌پذیری حسی - عاطفی‌اش نسبت به محرک‌های بیرونی را آگاهانه کاهش دهد.

از دیدگاهی دیگر بی‌من (۱۳۸۸) در توضیح عاطفه و صمیمیت در گفتمان زبان فارسی یکی از الگوهای ایرانیان برای بیان احساس و روال‌های اجرا و صداقت را استفاده از گونه‌های کاربردی زبان می‌داند و توضیح می‌دهد در این گونه، گوینده با کاربرد ضمائر پایین‌آورنده منزلت خود به گونه‌ای می‌خواهد اظهار تأسف یا ابراز احساس خود را در آن موقعیت مورد تأکید قرار دهد.

طبق توضیح این پژوهشگران که در حیطه خصوصیات ایرانیان است، کاربرد تحقیر و توهین به خود در زوجین ناسازگار می‌تواند به خاطر خصوصیت خودمداری فرد برای محافظت خویش در برابر قدرت مستبد طرف مقابل باشد و یا یکی از زوجین با تحقیر خود می‌خواهد از این که در آن موقعیت قرار گرفته اظهار تأسف بنماید (به عنوان نمونه من چقدر احمقم که با تو ازدواج کردم: یعنی از ازدواج با تو متأسف و پشیمانم).

در این مطالعه همسو با نتایج دیگر مطالعات ایرانی در زمینه تأثیر نقش فرهنگ ایرانی بر زندگی زوجین (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۷؛ و مظاهری و همکاران، زیرچاپ)، نشان داده شد که یکی از

زمینه‌های بااهمیت که در تعاملات زوجین ایرانی نقش به‌سزایی ایفا می‌کند خانواده است تا جایی که این زمینه اضافه شده با خود بیشترین کدهای شناسایی را در تعامل بین زوجین به همراه داشت. مظاهری و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای با عنوان سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای کاهش و کنترل طلاق در کشور یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم طلاق زوجین ایرانی (به عنوان یکی از ۵ عامل اول) را دخالت و نقش خانواده اصلی زوجین نام بردند. همچنین مظاهری و همکاران (زیر چاپ) در مطالعه خود با عنوان رابطه سبک‌های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج، نقش خانواده اصلی را در انتخاب همسر فرزندان خود و نیز تأثیر آن در رضایت از زندگی آن‌ها در آینده، به خوبی نشان دادند.

زاهدی و شمس (۱۳۸۸) با اشاره به تفاوت‌های میان واژگان خویشاوندی در زبان‌های فارسی و انگلیسی، عدم تقارن در تمایزهای ایجاد شده در حوزه واژگان خویشاوندی را نشانگر متفاوت بودن دیدگاه فارسی‌زبانان در ایران نسبت به خانواده و روابط زن و مرد در خانواده می‌دانند. به اعتقاد این پژوهشگران در زبان فارسی روابط بر اشخاص تقدم دارند در حالی که در زبان انگلیسی فردیت مهم‌تر است و روابط اهمیتی ثانویه دارند. یکی از تفاوت‌های قابل بررسی دیگری که در میان واژگان خویشاوندی در فارسی و انگلیسی وجود دارد به مفاهیم عروس و داماد مربوط می‌شود. در حالی که در زبان فارسی این دو واژه هم به عروس و داماد در مراسم عروسی و هم به رابطه میان عروس با خانواده شوهر و رابطه میان داماد با خانواده زن اشاره می‌کند. در زبان انگلیسی برای عروس و داماد در مراسم عروسی از واژه‌های Groom و Bride استفاده می‌شود و وقتی قرار باشد به رابطه عروس یا داماد با خانواده همسرش اشاره شود از واژه‌های ترکیبی Son-in-law و Daughter-in-law استفاده می‌شود. تفسیر احتمالی که می‌توان برای این مطلب ارائه داد این است که در فرهنگ فارسی عروس و داماد از همان شب عروسی به شکلی وارد ارتباط جدیدی با خانواده یکدیگر شده و رابطه این افراد با خانواده یکدیگر از همان شب دارای اهمیت می‌شود در حالی که در فرهنگ انگلیسی وجود واژه‌های مجزا می‌تواند به این معنا باشد که در شب عروسی رابطه این دو فرد با یکدیگر بااهمیت‌تر از رابطه آن‌ها با خانواده طرف مقابل می‌باشد. همچنین استفاده از کلمه law در ترکیب‌های ذکر شده تأکید بر این نکته دارد که رابطه سببی ایجاد شده از مجرای قانون معنا پیدا می‌کند، در حالی که در واژگان خویشاوندی موجود در زبان فارسی این کلمات مشاهده نمی‌شود (زاهدی و شمس، ۱۳۸۸).

در پایان اشاره می‌شود ما نیز چون بی‌من (۱۳۸۸) بر این اعتقادیم که مردم در فرهنگ‌های مختلف، واجد مجموعه‌ای از عواطف و احساسات هستند که خاص فرهنگ خود آن‌ها است. موفقیت بیان در گفتمان حاصل محاسبات دقیق و هماهنگ مبتنی بر آگاهی‌های فرهنگ بنیادی است که به احساسات فرد، موقعیتی که در آن احساس ابراز می‌شود و فرد مخاطب مربوط می‌شود. بنابراین با

عنایت به آن چه گذشت و با توجه به تفاوت‌های فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا در زمینه ازدواج - تأکید فرهنگ‌های فردگرا بر اتحاد دو نفر و تأکید فرهنگ‌های جمع‌گرا بر اتحاد دو خانواده (فینی، انگ و مادن، ۲۰۰۰؛ و دیون و دیون، ۱۹۹۶) - به نظر می‌رسد تنها با یک ابزار مناسب و متناسب با فرهنگ بتوان به نتایج درستی در این زمینه دست یافت و با جستجوی راه مؤثر برای تشخیص نقش فرهنگ و تأکید بر خصوصیت منحصر به فرد آن در فهم الگوهای ارتباط زوجین، امکان فراهم‌سازی دیدگاه کامل‌تری از روابط زوجین حاصل شود. آنچه واضح است توجه به این نکته است که بروز تعارض زناشویی و ناکارآمدی الگوهای ارتباطی در بین زوجین یکی از مقدمات جدایی و طلاق می‌باشد و یکی از بهترین راه‌ها برای پرورش ارتباط و سازگاری مناسب زوجین، فهم بهتر مؤلفه‌های الگوهای ارتباطی زوجین ایرانی با استفاده از روش‌های مؤثر مشاهده الگوی تعامل و ارتباط آن‌ها براساس ابزاری منطبق با خصوصیات فرهنگ ایرانی است تا شاید بتوان با جستجوگری در کیفیت و کمیت ارتباط در تعاملات زناشویی به حل مناسب تعارضات بین زوجین و کاهش نرخ طلاق کمکی نمود.

پی‌نوشت‌ها

1. Distressed individuals
2. Marital dysfunction
3. Behavioral observational coding of couples' interaction
4. Talk table
5. Noller
6. Marital Adjustment Test
7. Iranian Couples Interaction Coding System
8. Rapid Couple Interaction Scoring System
9. Specific Affect Coding System
10. Communication Skills Test: Observational System for Couples' Problem-Solving Skills
11. Observational Coding of Demand-Withdraw Interactions in Couples
12. Emotional Facial Action Coding System
13. Rapid Marital Interaction Coding System
14. Interpretational analysis
15. Structural analysis
16. Discriminant
17. Wilks's lambda

منابع

- احمدی، ز.، احمدی، س. ا.، و فاتحی زاده، م. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی شیوه زوج‌درمانی ارتباط شیء کوتاه‌مدت بر الگوهای ارتباطی زوجین. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۶(۳)، ۱۱۷-۱۰۵.
- بی‌من، و. (۱۳۸۸). زبان، منزلت و قدرت در ایران (ترجمه ر. مقدم کیا). تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۱).

تری یانديس، ه. س. (۱۳۷۸). فرهنگ و رفتار اجتماعی (ترجمه ن. فتی). تهران: رسانش. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۲).
 زاهدی، ک. و شمس، م. ع. (۱۳۸۸). خویشاوندی و جنسیت در خانواده و بازتاب آن‌ها در زبان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۹، ۳۰۸-۲۸۱.

قاضی مرادی، ح. (۱۳۸۷). *در پیرامون خودمداری ایرانیان*. تهران: اختران.
 مظاهری، م. ع. صادقی، م. ا. نصرآبادی، ا. انصاری نژاد، ف. و عباسی، م. (زیر چاپ). سبک‌های همسرگزینی و کیفیت و پایداری ازدواج.

مظاهری، م. ع. صادقی، م. ا. روشن، م. اشتریان، ک. احمدی، ع. ی. حمیدی، ن. امامی، ر. موتایی، ف. طهماسبیان، ک. و پناغی، ل. (۱۳۸۷). *سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای کاهش و کنترل طلاق در کشور*. گزارش طرح تحقیقی). شورای عالی انقلاب فرهنگی.

مظاهری، م. ع. حیدری، م. و پور اعتماد، ح. ر. (۱۳۸۲). مقایسه بهداشت روانی در زوجهای جشن ازدواج دانشجویی و زوجهای عادی. *مجله روان‌شناسی*، ۱۷(۱)، ۷۱-۵۲.

Chaney, A., & Martin, B. (2008). *Cultural differences in patterns of thought or processes of reasoning and problem solving*. *Intercultural Business Communication* [On-line]. Available: <http://www.findarticles.com>

Christensen, A., Eldridge, K., Catta-Preta, A. B., Lim., V. R., & Santagata, R. (2006). Cross-cultural consistency of the demand/withdraw interaction pattern in couples. *Journal of Marriage and Family*, 68(4), 1029-1044.

Christensen, A., & Heavey, C. L. (1990). Gender and social structure in the demand/withdrawal pattern of marital conflict. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 73-81.

Dion, K., & Dion, K. L. (1996). Cultural perspective on romantic love. *Personal Relationships*, 3, 5-17.

Driver, J. L. (2006). *Observation of newlywed interactions in conflict and in every day life*. Unpublished doctoral dissertation, University of Washington, Washington.

Erel, O., & Burman, B. (1995). Interrelatedness of marital relations and parent-child relations: A meta analytic review. *Psychological Bulletin*, 118(1), 108-132.

Fincham, F. D., & Beach, S. R. H. (1999). Conflict in marriage: Implications for working with couples. *Annual Review of Psychology*, 50, 47-77.

Gottman, J. M. (1980). Consistency of nonverbal affect and affect reciprocity in marital interaction. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 48, 711-717.

Gottman, J. M. (1993). The role of conflict engagement, escalation, and avoidance in marital interaction: A longitudinal view of five types of couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61(1), 6-15.

Gottman, J. M. (1998). Marital interaction: Experimental investigation. *Annual Review of Psychology*, 49, 169-197.

Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2000). Decade review: Observing marital interaction. *Journal of Marriage & the Family*, 62(4), 927-947.

Gottman, J. M., & Notarius, C. (2002). Marital research in the 20th century and a research agenda for the 21st century. *Family Process Journal*, 41, 159-179.

Gottman, J. M., Katz, L. F., & Hooven, C. (1997). *Meta-emotion: How families communicate emotionally*. Mahweh, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

- Gottman, J. M., Swanson, C., & Swanson, K. (2002). A general system theory of marriage: Nonlinear difference equation modeling of marital interaction. *Personality & Social Psychology Review*, 6(4), 326-340.
- Halford, W. K., Hahlweg, K., & Dunne, M. (1990). The cross-cultural consistency of marital communication associated with marital distress. *Journal of Marriage and the Family*, 52(2), 487-500.
- Hairston, R. E. (2000). Predicting marital satisfaction among African American couples. Unpublished doctoral dissertation, Seattle Pacific University, Seattle.
- Heyman, R. E. (2001). Observation of couple conflicts: Clinical assessment applications, stubborn truth, and shaky foundations. *Psychological Assessment*, 13(1), 5-35.
- Heyman, R. E., & Vivian, D. (2000). *Rapid marital interaction coding system* [On-line]. Available: <http://www.psy.sunysb.edu/marital>
- Ingersoll- Dayton, B., Campbell, R., & Mattson, J. (1998). Forms of communication: A cross- cultural comparison of older married couples in the USA and Japan. *Journal of Cross- Cultural Gerontology*, 13, 63- 80.
- Kerig, P. K., & Baucom, D. H. (2004). *Couple observational coding system*. London: Lawrence Erlbaum Associates.
- Lalonde, R. N., Hynie, M., Punnu, M., & Tatla, S. (2004). The role of culture in interpersonal relationships. Do second generation South Asian Canadians want a traditional partner? *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 35(5), 503-524.
- Lindahl, K. M., & Malik, N. M. (2000). *System for coding interaction and family functioning (SCIFF): A coding system for family problem discussions* [On-line]. Available: <http://www.findarticles.com>
- Marshall, T. C. (2008). Cultural differences in intimacy: The influence of gender- role ideology and individualism collectivism. *Journal of Social and Personal Relationship*, 25(1), 143-168.
- Mazaheri – Tehrani, M. A. (1997). Attachment from a systemic perspective: A study of Iranian families. Unpublished doctoral dissertation, Birkbeck College, University of London, London.
- Phinney, J. S., Ong, A., & Madden, T. (2000). Cultural values and intergenerational value discrepancies in immigrant and non-immigrant families. *Child Development*, 71, 528-539
- Robes, T. F., & Kiecolt-Glaser, J. K. (2003). The physiology of marriage: Pathways to health. *Psychology & Behavior*, 79(3), 409-416.
- Ridley, C. A., Wilhelm, M. S., & Surra, C. A. (2001). Married couples' conflict responses and marital quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, 18(4), 517-534.
- Shapiro, A. D. (1996). Enplaning psychological distress in a sample of remarried and divorced persons: The influence of economic distress. *Journal of Family Issues*, 17(2), 186-203.
- Sillars, A., Canary, D. J., & Tafoya, M. (2008.). Communication, conflict, and the quality of family relationships. In *Handbook of family communication* [On-line]. Available: <http://www.findarticles.com>
- Stanley, S. M. (2003, November). Assessing couple and marital relationships: Beyond form and toward a deeper knowledge of function. Paper presented at Healthy

- Marriage Interventions and Evaluation symposium of the measurement issues in Family demography Conference, Washington D. C
- Tomita, S. K. (1994). The consideration of cultural factors in the research of elder mistreatment with an in-depth look at the Japanese. *Journal of Cross-Cultural Aging*, 9, 38-52.
- Ting- Toomey, S. (1983). An analysis of verbal communication patterns in high and low marital adjustment group. *Human Communication Research*, 9 (4), 306-319.
- Umberson, D., Kristi, W., Powers, D. A., Hiu, Li., & Needham, B. (2006). You make me sick: Marital quality health over the life course. *Journal of Health and Social Behavior*, 47(1), 1-16.
- Williams, A. M. (1979). The quantity and quality related to marital satisfaction: A behavioral analysis. *Journal of Applied Behavior Analysis*, 12 (4), 665-678.
- Young, M. E., Long, L. L. (1997). *Counseling and therapy for couples*. California: Brooks/Cole.
- Yalcin, B. M., & Karahan, T. F. (2007). Effects of a couple communication program on marital adjustment. *The Journal of the American Board of Family Medicine*, 20(1), 36-44.

